



## گفت و گو با مریم حاجی اسدالله، خلبان پارا گلایدر

# آرزوهای بلند پرواز

### در مسابقات تهران، با وجود حضور آقایان، اول شدم

### خانواده‌ام اوایل مخالف بودند، ولی وقتی علاقه و پیشرفت مرا دیدند، تشویق کردند

اعظم سلامتی | ورزش چتربری در ایران، زیرمجموعه‌ای از ورزش‌های هوایی است. انجمن ورزش‌های هوایی ایران به‌عنوان متولی این ورزش در کشور زیر نظر فدراسیون انجمن‌های ورزشی باشد، ولی چون هیجان و ارتفاع را دوست داریم و مخاطره آمیز است. چتربال موتور ندارد و نشست و برخاست آن توسط باهای خلبان انجام می‌گیرد. در هنگام پرش، خلبان خود را با تسمه‌هایی به یک چتربال وصل می‌کند. این چتربال مانند بال هواپیما باعث تعلیق می‌شود و خلبان با استفاده از طناب‌هایی چتربال را کنترل می‌کند تا جهت و وسیله نوظهور پروازی است که به سرعت در جهان در حال توسعه است. این وسیله ساده‌ترین و آخرین دستاورد بشر برای پرواز شخصی است. این وسیله با توجه به این که وزن و حجم کوچکی دارد، به راحتی قابل حمل است. سازه بال از نوسای پارچه خاص نایلونی و توسط بندهایی بسیار محکم از جنس کولار ترکیب یافته‌اند که توسط

ورزش علاقه‌مند و مصمم شدم این ورزش را یاد بگیرم. پس آن گردش خانوادگی و از نزدیک تماشا کردن پاراگلایدر، شمارا علاقه‌مند به این ورزش کرد؟ بله البته ابتدا از دور تماشا کردن بود. شاید کلبه‌های باشم، ولی چون هیجان و ارتفاع را دوست داریم و مخاطره آمیز است. چتربال موتور ندارد و نشست و برخاست آن توسط باهای خلبان انجام می‌گیرد. در هنگام پرش، خلبان خود را با تسمه‌هایی به یک چتربال وصل می‌کند. این چتربال مانند بال هواپیما باعث تعلیق می‌شود و خلبان با استفاده از طناب‌هایی چتربال را کنترل می‌کند تا جهت و وسیله نوظهور پروازی است که به سرعت در جهان در حال توسعه است. این وسیله ساده‌ترین و آخرین دستاورد بشر برای پرواز شخصی است. این وسیله با توجه به این که وزن و حجم کوچکی دارد، به راحتی قابل حمل است. سازه بال از نوسای پارچه خاص نایلونی و توسط بندهایی بسیار محکم از جنس کولار ترکیب یافته‌اند که توسط

بقیه اعضای خانواده هم تشویق می‌کردند. همچنین مریم‌ها بودند. زمانی که می‌دیدم مریم‌ها و سایر ورزشکاران این حرفه در سطح بالایی این ورزش را دنبال می‌کنند و در سطح مسابقات جهانی مقام کسب می‌کنند. علاقه‌ام بیشتر شد و فهمیدم که من هم می‌توانم در سطح آنها باشم. این ورزش از چه سالی در ایران شناخته‌شده؟ سال دقیق آن را نمی‌دانم، ولی فکر کنم حدود ۲۰ سال باشد.

کسب کردید؟ نخستین مسابقه خارجی من سال ۲۰۱۳ بود که به ترکیه رفتم. بازی‌های مقدماتی جهانی بود و مسابقات بالا، ولی من نفر نخست بانوان ایران شدم. سال ۱۳۹۳ هم نفر نخست بانوان ایران در مسابقات کشور شدم، ولی از آن سال به بعد تحت شرایطی که داشتم، تمریناتم کم شد و در مسابقات مقام خاصی کسب نکردم. البته در مسابقات تهران نفر نخست بانوان و دوم کل شدم که آقایان هم شرکت داشتند. در کل شرایطی پیش آمد که دیگر نتوانستم حرفه‌ای دنبال کنم.

چه دلایلی وجود داشت که شما نتوانستید ورزش حرفه‌ای خود را دنبال کنید؟ بیشتر دلایل مادی بود که خانم‌ها حمایت نشدند. این ورزش بسیار پرهزینه است. یعنی فدراسیون شمارا حمایت مالی نکرد؟ این ورزش فدراسیون ندارد و تنها انجمن دارد. هیچ‌گونه حمایت مالی هم نداریم. این ورزش پرهزینه است. در هر مسابقه‌ای که ما می‌رفتیم، خودمان هزینه می‌کردیم. خارج از این مسابقات که می‌رفتیم، برای تمرینات هم خودمان هزینه می‌کردیم. در این ورزش ابزار کار فرسوده می‌شود و باید خودمان هزینه کنیم.

با این اوصاف هیچ نوع حمایت مالی نشدید؟ بیشتر هزینه‌ها شخصی بود؟

بله، کاملا درست است. من خودم کار می‌کردم. در زمینه عکاسی و دندانسازی و گاهی هم در رشته تحصیلی خودم گرافیک کار می‌کردم. تمام هزینه‌های پرواز با خودم بود. با توجه به این که باید کار می‌کردم تا هزینه‌های سفر و فرسودگی ابزار ورزشی را تأمین کنم، لحظات سخت و دشواری را گذراندم.

در زمینه مربیگری این ورزش چه فعالیت‌هایی دارید؟ تقریباً یکسال است که مدرک مربی‌گری خود را از سازمان هواپیمایی کشوری گرفتم. البته هیچ‌گاه علاقه‌مند به مربی‌گری نبودم. بیشتر دوست داشتم آموزش ببینم و مسابقه داشته باشم، ولی زمانی که مربی می‌شوید، دیگر وقت و زمان کافی برای خودتان ندارید. و بیشتر باید به دیگران آموزش دهید و مسئولیت‌پذیر شوید که کار سختی است. با این که مدرک مربی‌گری خود را دارم، ولی خیلی راضی به دنبال کردن آن نیستم. فقط می‌دانم بتوانم مهارت‌های خود را در این حرفه ورزشی ارتقا دهم و به صورت حرفه‌ای وارد مسابقات شوم.

کمی از مخاطرات این ورزش بگویید. برای کسانی که علاقه‌مند به این ورزش هستند چه توصیه‌ای دارید؟ خطر در تمام فعالیت‌های ورزشی وجود دارد و نمی‌توان منکر آن شد، ولی معتقدم اگر تمامی قوانین پرواز رعایت شود، هیچ نوع خطری در آن تهدید نمی‌کند و با امنیت کامل می‌تواند پرواز کند و با قطعیت می‌توان گفت هیچ نوع خطری وجود نخواهد داشت.

خطرات احتمالی چه نوع خطراتی هستند؟ دسته‌ای از افراد هستند که فکر می‌کنند اطلاعات کافی از این ورزش دارند و جز آن‌ها بیشتر است، ولی معتقدم این افراد حماقت می‌کنند. مثالی را همیشه مطرح می‌کنم. در رانندگی زمانی که فرد بخواهد با سرعت ۲۰۰ کیلومتر در پیچ‌ها حرکت کند، این حرکت شهادت و جرأت نیست، بلکه نوعی حماقت است. پرواز هم شرایط مشابهی دارد. به لحاظ امنیتی ما چتر نجات داریم و اگر اتفاق و مشکلی پیش بیاید و فردش را در آسمان از دست بدهد و سقوط کند، می‌تواند از چتر نجات استفاده کند.

در زمینه هدایت پاراگلایدر و کاهش خطرات سقوط کمی صحبت کنید. این ورزش بال‌های مختلفی دارد. زمانی که فرد مبتدی است، لازم است از یک بال سرعت پایین با امنیت بالا استفاده کند. زمانی که فرد به آن درجه نرسیده است

که بتواند درجه بال خود را عوض کند و از بال حرفه‌ای استفاده می‌کند، در این حالت خطرات پرواز بالا می‌رود. درست مثل این است که از یک خودرو با سرعت بالا استفاده کنید و نتوانید آن را کنترل کنید. در پرواز خیلی مهم است که چه زمانی وسایل خود را تعویض کنید و چه زمانی، چه کاری را انجام دهید.

با این اوصاف تمرکز و سرعت عمل در این ورزش خیلی مهم است؟ بله، کاملا درست است. تمرین و سرعت عمل خیلی مهم است، اما بیشتر تمرین لازم است و این که در چه شرایط آب‌وهوایی فرد می‌تواند پرواز کند. هر فردی در این زمینه قابلیت خاصی دارد و افراد با هم متفاوت هستند.

وقتی در آسمان پرواز می‌کنید، چه حس دارید؟ حس فوق‌العاده‌ای دارم. زمانی که پرواز می‌کنم مثل این است که نیایش می‌کنم، واقعا حس معنوی و روحانی است. زمانی که پرواز می‌کنم حس آرامش خاصی دارم و فکر نمی‌کنم این آرامش را در جای دیگری داشته باشم. حس که شما، بالا همه چیز را می‌بینید، یک حالت تمرکز شدیدی به انسان می‌دهد. زمانی که در آسمان هستید تنها به پرواز فکر می‌کنید. در حالی که زمانی که در جای دیگر هستید به هزاران چیز دیگر فکر می‌کنید.

زمانی که به زمین می‌رسید، چه حسی دارید؟ من و سایر دوستانتان با یکدیگر هم عقیده هستیم. زمانی که به زمین می‌رسیم در یک حالت خلسه هستیم، یعنی ما حرکتی انجام دادیم که ما را به حالت خلسه برده است. در این حالت شادی فراوانی به انسان دست می‌دهد.

در صفحه فیس‌بوک خودتان اشاره کردید که علاقه‌مند به هیپنوتیزم آریکسون هستید. این ارتباطی بین این موضوع و حرفه ورزشی شماست؟ در این زمینه علاقه‌مند بودم و دوره‌هایی آن را گذراندم. ارتباطی که میان هیپنوتیزم آریکسونی و پاراگلایدر وجود دارد، بحث تمرکز است. افراد زمانی که به دنبال چیزی می‌روند به رشد و پیشرفت و ارتقا خود فکر می‌کنند. زمانی که به سمت هیپنوتیزم رفتیم بر این باور بودم که بتوانم مشکلات و درگیری‌های ذهنی خود را حل کنم. دنبال علاقه شخصی خودم رفتم و در برهه‌ای توانستم مشکلات را حل کنم.

از نتیجه‌های هیپنوتیزم چه خبر است؟ بله، تا حدودی مشکلاتم حل شد.

آیا پایه‌ها را به سقوط فکر کردید؟ بله، فکر کردم و اتفاقاً آن را تجربه هم کردم. چندین بار



برایم پیش آمده است و در هر بار که نتوانستم ریکواری کنم باز آن حالت خارج شوم، فریاد می‌زنم و خدا را شکر می‌کردم. کاملا احساس می‌کردم که خدا مرا نجات داده است. واقعا حس زیبایی بود.

چه دوره‌هایی برای ریکواری در حالت سقوط وجود دارد؟ دوره‌هایی که به اس‌ای‌وی معروف است و به امنیت پرواز مربوط می‌شود. مثلاً روی آب می‌رویم و عمداً بال خود را از حالت پرواز خارج می‌کنیم و حالت سقوط به آن می‌دهیم که اگر در آسمان هنگام پرواز چنین مشکلی پیش آمد بتوانیم بال خود را به حالت پرواز درآوریم.

فقطا بخشی از ذهن شما هنگام پرواز باید معطوف به هدایت پاراگلایدر شود، اما طبیعتا ذهن گاهی اوقات سیلانی‌ها و جهش‌های خود را دارد. آیا در حالت پرواز به جز هدایت پاراگلایدر به چیزهای دیگر هم فکر کردید؟

بله، خیلی زیاد پیش آمده. بعد از مدتی که پرواز می‌کنید، خیلی به هدایت پاراگلایدر فکر نمی‌کنید. دقیقا

مانند رانندگی، بعد از مدتی دیگر به هدایت خودرو فکر نمی‌کنید؛ اتوماتیک نشده عوض می‌کنید و به حرکت خود ادامه می‌دهید. در پرواز هم همین حالت وجود دارد. اتوماتیک پاراگلایدر روش می‌شود و تنها شما به زیبایی‌های اطراف خود توجه می‌کنید. زمانی که آن بالا هستید به وسعت آسمان و زیبایی‌های آن و هر آنچه در آسمان وجود دارد، توجه می‌کنید. واقعا قابل توصیف نیست. هر فردی که پرواز را تجربه کند ممکن است دیدگاه متفاوتی داشته باشد.

شما در آسمان چه چیزی را پیدا کردید که در زمین وجود ندارد. قاعدتاً به این دلیل است که پرواز را دوست دارید؟ آرامش و سکوتی که در آسمان وجود دارد، شگفت‌انگیز و وصف‌ناپذیر است. زمانی که دغدغه‌های ذهنی دارم و دنبال مأموری برای آرامش می‌گردم، پرواز می‌کنم و زمانی که دنبال شادی و هیجان هستم به سمت پرواز می‌روم. در واقع می‌توان گفت نوعی اعتیاد به پرواز دارم.

طبیعت بشدت در مرگ و زندگی کسی مثل شما موثر است. به خصوص در مورد آب‌وهوا و باد و کلا شرایط اقلیمی در حدی که جان‌تان به آن بسته است. همیشه در حال چک کردن شرایط اقلیمی هستید؟ احتمالا حساسیت‌تان در این قضیه بالاتر از اینهاست.

بله، کاملا صحیح است. ما همیشه هوا و جهت وزش باد را چک می‌کنیم. مثلاً یک روز قبیل و حتی یک ساعت قبل به‌طور مرتب هوا را چک می‌کنیم و بعد سراغ پرواز می‌رویم. اوایل که مبتدی بودم خیلی به این مسائل اهمیت نمی‌دادم و در هر هوایی پرواز می‌کردم و نمی‌دانستم کار خطرناکی انجام می‌دهم. زمانی که آگاهی بالایی رو دوا احتمال خطر وجود دارد، احتیاط فرد هم‌بیشتر می‌شود.

والدین یا احتمالا اگر ازدواج کرده‌اید، همسرتان

با این قضیه مشکلی ندارد؟ به‌هر حال مخاطرات آن زیاد است.

همان‌طور که عرض کردم به علت این که این رشته در ایران کمی ناشناخته است، مخالفت‌هایی از سوی خانواده وجود داشت، ولی زمانی که علاقه شدید مرا دیدند و همچنین پیشرفت‌هایی که در این رشته داشتیم، تشویق هم کردند.

چه تفاوت‌هایی بین خانمی که این رشته را انجام می‌دهد با آقایان در ایران وجود دارد؟ چه به لحاظ امکانات و چه مسائل دیگر.

متأسفانه در تمامی رشته‌های ورزشی میان خانم‌ها و آقایان تفاوت وجود دارد. آقایان برای تمرینات خود راحت‌تر عمل می‌کنند. در شهرهای مختلف تعداد آقایان خیلی زیاد است. به نظرم در رشته پاراگلایدر به ازای هر ۳۰۰ مرد، یک خانم وجود دارد، یعنی تا این حد خانم‌ها کم هستند. در اردوها تعداد آقایان زیاد و خانم‌ها کم است و واقعا سخت است زمانی که هم‌جنس خودت در اردوی تمرینی نباشد. ضمن این که من فکر می‌کنم شرایط اجتماعی ایجاب می‌کند که خانم‌ها سمت این رشته نیابند. شاید به علت این که خانم‌ها هستند یا فرزند دارند یا همسران‌شان اجازه نمی‌دهند. تمامی این مسائل تأثیرگذار است. فکر نمی‌کنم به لحاظ توانایی، خانم‌ها در این زمینه چیزی از آقایان کم داشته باشند. پرواز قدرت بدنی نمی‌خواهد و بیشتر تمرکز مطرح است.

در این سن، بزرگترین ترس‌تان چیست؟ بدترین ترس‌تان، ترس از دست دادن عزیزانم است.

اگر بار دیگر به دنیا می‌آمدید، چه کاری را انجام می‌دادید که الان انجام نده‌اید؟ اگر شرایط را داشتم حتماً دنبال موسیقی می‌رفتم. واقعا این کار را دوست دارم.

چه کاری را انجام نمی‌دادید؟

دلسوزی برای هر کسی نمی‌کردم، چون هر کسی ارزش دلسوزی ندارد. بیشتر سعی می‌کردم در وهله نخست خودم را دوست داشته باشم، بعد دیگران را در اولویت بعدی قرار می‌دادم.

الهام‌بخش‌ترین آدم زندگی‌تان چه کسی بود؟ فکر می‌کنم در هر برهه‌ای از زندگی فرد الهام‌بخش‌ترین افراد وجود دارند. فردی که در یک دوره از زندگی الهام‌بخش است، در دوره‌های بعدی تغییر می‌کند. به نوعی می‌توان گفت به تعداد روزهای زندگی‌ام الهام‌بخش‌ترین افراد وجود داشتند.

تأثیر این لحظه زندگی‌تان چه زمانی بوده؟ زمان‌هایی که مادرم از شرایط زندگی‌اش نازت راحت بوده و کلاغم‌ها هم در لحظات زندگی‌ام بوده‌اند.

شیرین‌ترین کجاست؟ جاهایی که نتوانستم به خواسته‌های خودم برسم و موفق شوم چه به لحاظ ورزشی و چه در زمینه‌های دیگر مسلمانشیرین‌ترین است.

ارزشمندترین چیزی که یک انسان می‌تواند به دست بیاورد چیست؟

این که یاد بگیرد تاواند با وجدانش زندگی کند.